



Analysis of Intertextual Relationships of Allusions in Mirza Mohammad Seil Akhbāri's Divan (Manuscripts)

Jalalvand. Maryam¹ - **Ghoroghi. Zahra^{2*}** - **Davoodipour. Gholamreza³**

1: PhD student in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.

2: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author):

z_ghoroghi@iautnb.ac.ir

3: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Tehran West Branch, Tehran, Iran.

Abstract: Intertextual studies are among the important approaches in contemporary literary research. According to the theory of intertextuality, no text exists without a pre-text, and texts are continuously recreated or reinterpreted based on earlier texts. Considering allusion as exemplar of intertextuality, the purpose of this study is to analyze the intertextual relationships of allusions in the poetry of Mirza Mohammad Seil Akhbāri using a descriptive-analytical method. The results of this study indicate that allusions in Seil Akhbāri's poetry are often connected to literary romanticism, mythological themes, religious subjects, and religious figures. Intertextual relationships in the works of this poet are based on the three types of Kristeva's transtextuality - partial negation, parallel negation, and complete negation, among which, partial negation is more prevalent and shows the highest rate of frequency in the poetry of Seil Akhbāri.

Keywords: intertextuality, allusion, Mirza Mohammad Seil Akhbāri, mystical allusions, Julia Kristeva.

سال پانزدهم - شماره ۳۸ - زمستان ۱۴۰۳

صفحات ۱۸۱ - ۲۰۴ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۳/۰۴/۲۲ بازنگری ۱۴۰۳/۰۶/۲۶ پذیرش ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

تحلیل روابط بینامتنی تلمیح در دیوان (نسخ خطی) میرزا

محمد سیل اخباری

مریم جلالوند^۱ / زهرا قرقی^۲ / غلامرضا داودی پور^۳

۱: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

۲: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
z_ghoroghi@iau.tnb.ac.ir

۳: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران.

چکیده: مطالعات بینامتنی از جمله رویکردهای مهم در پژوهش‌های ادبی معاصر است. طبق نظریه بینامتنیت، هیچ متنی بدون پیش‌متن نیست و متن‌ها پیوسته بر اساس متن‌های گذشته بازتولید می‌شوند. با عنایت به این تعریف، می‌توان تلمیح را یکی از مصادیق بارز بینامتنیت تلقی کرد؛ از این رو، هدف این پژوهش، تحلیل روابط بینامتنی تلمیح در دیوان میرزا محمد سیل اخباری به شیوه توصیفی - تحلیلی است. نتایج این تحقیق نشان داده است که تلمیح در شعر سیل غالباً در پیوند با موضوعات عرفانی، دینی و شخصیت‌های مذهبی از قبیل قرآن، احادیث، زندگی امامان و پیامبران (ص) و موضوعات ادبی و عاشقانه شکل گرفته است. روابط بینامتنی هم در دیوان این شاعر بر مبنای قواعد سه‌گانه کریستوا، میان متن حاضر و غایب، به صورت نفی جزئی، نفی متوازی و نفی کلی بروز و ظهور پیدا کرده است و در این بین، نفی جزئی در اشعار سیل اخباری دارای بسامد بیشتری است.

کلیدواژه: بینامتنیت، تلمیح، میرزا محمد سیل اخباری، تلمیحات عارفانه، ژولیا کریستوا.

- جلالوند، مریم؛ قرقی، زهرا؛ داودی پور، غلامرضا (۱۴۰۳). «تحلیل روابط بینامتنی تلمیح در دیوان (نسخ خطی) میرزا محمد سیل اخباری». دانشگاه سمنان: مجله مطالعات زبانی و بلاغی. ۱۵ (۳۸): ۲۰۴-۱۸۱.

Doi: [10.22075/jlrs.2024.34729.2497](https://doi.org/10.22075/jlrs.2024.34729.2497)

۱. مقدمه

تلمیح، یکی از آرایه‌های بدیعی است که شاعر می‌تواند به کمک آن، نقش خیال‌انگیزی شعر را به ظرفیت‌های معناآفرینی پیوند بزند. شاعران و نویسندگان با بهره‌گیری از این صنعت ادبی که به‌نوعی بخشی از مفهوم امروزین بینامتنیت است، به ایجاز و زیبایی سخن می‌افزایند. نظریه بینامتنیت نخستین بار از سوی ژولیا کریستوا^۱ (زادهٔ ۱۹۴۱ م.)، زبان‌شناس بلغاری، با استنباط از آثار باخنین در اواخر دههٔ شصت قرن نوزدهم میلادی به گستره نقد ادبی وارد شد. وی معتقد بود که «هر متنی آمیزه‌ای از نقل‌قول‌هاست؛ هر متنی حاصل جذب و تغییر شکل متنی دیگر است» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۸۵). با آنکه بینامتنیت اصطلاحی نسبتاً جدید است، با مفاهیم و موضوعاتی نظیر اقتباس، تضمین، حل، درج و تلمیح همپوشانی دارد. اشعار سیل به دلیل رابطه بینامتنی مرتبط با عوالم ذهنی شاعر، جهان‌بینی، رویکردهای خاص فلسفی و عرفانی، تأثیرپذیری وی از متون و آثار گذشتگان، از تنوع مضمونی و غنای واژگانی و معنایی ارزشمندی برخوردار است. واکاوی دایره تلمیحات، به سبب ماهیت بینامتنی آنها، در بر ملا ساختن آبخورهای فکری و فرهنگی شاعر نقش مؤثری ایفا می‌کند. این صنعت ادبی که در حوزه صنایع ادبی - بلاغی قرار می‌گیرد، جدا از اشاراتی که به دانسته‌های تاریخی، اساطیری، فرهنگی و غیره دارد، از وجوه زیبایی شناختی و موسیقایی نیز برخوردار است. تلمیح «از آنجاکه در فرایندی تقابلی با واژگان قرار می‌گیرد، نوعی لذت تداعی و موسیقی معنوی ایجاد می‌کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۳۱۰). پرسشی که در این تحقیق مطرح است این است که با توجه به روابط بینامتنی تلمیح در اشعار سیل، وی به‌صورت ناخودآگاه از متون دیگر تأثیر پذیرفته است یا اینکه این تأثیر از بینش و آگاهی ژرف وی از این متون می‌آید؟

۲. پیشینه تحقیق

با بررسی و تحقیقات به عمل آمده از سوی نگارندگان در باب تحلیل روابط بینامتنی تلمیح، در بین مقالات علمی و پژوهشی و پایان نامه‌های موجود در زمینه شعر و ادبیات فارسی، به مواردی می‌توان اشاره کرد؛ چون:

- حسن یزدانی و همکاران (۱۳۹۶)، دو فصلنامه علمی بلاغت کاربردی و نقد بلاغی، با عنوان «مناسبات بینامتنی تلمیحات قرآنی مثنوی و غزلیات شمس با تأکید بر قصه ابراهیم علیه السلام»؛ در این مقاله قصه حضرت ابراهیم (ع) در دو اثر غزلیات شمس و مثنوی از منظر بینامتنیت با روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت.

- سید علی قاسم‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، با عنوان «بینامتنیت تلمیح در شعر دفاع مقدس» در نشریه ادبیات پایداری. این مقاله شعر تعدادی از شاعران دفاع مقدس با رویکرد بینامتنی ژرار ژنت از منظر زیباشناسی تلمیح و کارکرد وحدت‌بخش آن در محور عمودی را بررسی کرده است.

اما تا به حال، درباره تحلیل بینامتنی تلمیح در دیوان اشعار میرزا محمد سیل اخباری که به صورت نسخ خطی و شامل سه نسخه، در مجلس شورای اسلامی است، پژوهشی صورت نگرفته است. نگارندگان این سه نسخه را به ترتیب: ۱. نسخه (الف)، ۲. نسخه (ب) و ۳. نسخه (ج)، معرفی کرده‌اند که در بین سه نسخه مذکور، نسخه (الف) از همه کامل‌تر است. به زندگی و آثار این شاعر در بسیاری از منابع متقدم و متأخر مانند ذریعه شیخ آقابزرگ، روضات الجنات، فهرس التواریخ و غیره اشاره شده است. خود او در کتاب رجال با عنوان صحیفه احوال صفا (نسخه مجلس: ۳۴۴)، شرح حالی از خود آورده است. وی دارای تألیفات بسیاری در فقه، کلام، دفاع از تعالیم اخباریه، مخالفت با تعالیم اصولیان است؛ ولی دیوان شعر وی مغفول مانده و به صورت نسخه خطی موجود است. در ذریعه شیخ آقابزرگ به دیوان عربی، این شاعر به عنوان دیوان الاخباریه اشاره شده است. «چون شیخ آقابزرگ، دیوان فارسی وی را ندیده و از تخلص وی اطلاعی نداشته، در حرف «سین» آن را ذکر نکرده است و در فهرس دیگری نیز که نگارندگان دیده، نام این دیوان و محل وجود آن دیده نشده، بلکه صاحب دیوان از بعضی شاگردان

ناظم دیوان نقل کرده‌اند که در کتاب خود گفته دیوان استاد نزد من حاضر نیست. معلوم می‌شود که این نسخه دیوان بسیار کمیاب بوده و تاجایی که معاصران و شاگردان ناظم هم آن را نداشته‌اند؛ پس اهمیت و ارزش این نسخه واضح خواهد بود و شاید منحصر به فرد باشد» (سیل اخباری، مقدمه شماره نسخه ب: شماره ۱۳۶۴۸: ۱).

۳. چارچوب نظری پژوهش

عنصر تلمیح، با توجه به کاربرد آن در ادبیات، در عین حالی که تاریخ فرهنگی و بار معنایی متون گذشته را حمل می‌کند، به‌طور مستقیم از آنها سود نمی‌جوید. «مهم‌ترین آثار ادبی جهان بیشترین بار معنایی خود را بر دوش تلمیح نهاده‌اند» (محبتی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). تلمیح از گونه‌ای اشارات بینامتنی به شمار می‌آید. در بینامتنیت بحث بر سر آن است که متون از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و باعث خلق آثار جدید می‌شوند و هدف اصلی در تحلیل‌های بینامتنی، نشان دادن مشابهت‌های موجود در متون نظم و نثر ادبی است. «هر متنی همچون معرّقی، از نقل قول‌ها ساخته می‌شود و هر متن به منزله جذب و دگرگون‌سازی متنی دیگر است» (تودوروف، ۱۳۷۷: ۱۵). طبق نظر کریستوا، حضور متن پنهان یا غایب در متن حاضر به سه صورت که از آن با عنوان قواعد سه‌گانه بینامتنی یاد می‌شود، انجام می‌گیرد:

۱- نفی جزئی: این رابطه سطحی‌ترین و آسان‌ترین نوع از روابط بینامتنی به شمار می‌آید؛ زیرا مؤلف در متن خود جزئی از متن غایب را که می‌تواند جمله، عبارت یا جمله باشد بیاورد و ابتکار و نوآوری کمتری از خود داشته باشد. «در این نوع از روابط بینامتنی، مؤلف جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد و متن حاضر ادامه همان متن است و کمتر ابتکار و نوآوری در آن وجود دارد» (میرزایی، ۱۳۸۸: ۳۰۶).

۲- نفی متوازی: در این نوع از روابط بینامتنی، مؤلف متن غایب را با همان ساختار یا با تغییری مختصر، به کار می‌برد. «در نفی متوازی، شاعر نوعی سازش میان متن پنهان و حاضر ایجاد می‌نماید و از معنای متن پنهان دفاع می‌کند» (همان: ۳۰۶).

۳- نفی کلی: در این نوع از روابط بینامتنی با اینکه مؤلف، بخشی از متن غایب را در متن خود می‌آورد، معنای متن به کلی تغییر می‌کند. «این نوع از روابط، بالاترین

درجه بینامتنی است و به خوانشی عمیق و آگاهانه نیاز دارد» (رنجر، ۱۳۹۳: ۹۴). بعد از ژولیا کریستوا، ژرار ژنت^۱ (۲۰۱۸-۱۹۳۰ م.) توانست با پژوهش‌های خود، باعث گسترش این نظریه شود و آن را به کمال برساند. «هر نوع رابطه میان یک متن با متون دیگر یا غیر خود را با واژه جدید، ترامنتیت نام‌گذاری نمود و آن را به پنج دسته سرمنتیت، پیرامنتیت، فرامنتیت، بیش‌منتیت و بینامنتیت تقسیم کرد که در این میان فقط بینامنتیت و بیش‌منتیت به رابطه هنری میان دو متن می‌پردازد» (نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۸۳). با مطالعه و تحقیق درباره نظریه بینامنتیت، با این اصل مهم مواجه می‌شویم که بینامنتیت ریشه در نظریه نشانه و ساختار سوسور^۲ (۱۹۱۳-۱۸۵۷ م.) دارد. «ساختارگرایی، جنبش انتقادی- فلسفی و فرهنگی مبتنی بر نشانه‌شناسی سوسوری، از دهه پنجاه به این سو، در صدد ارائه بازتوصیفی انقلابی از فرهنگ انسانی بر پایه نظام‌های نشانه‌ای در راستای بازتعریف سوسور از نشانه و ساختار زبانی بود. این انقلاب فکری را که در علوم انسانی "چرخش زبان‌شناختی" نام گرفته، می‌توان یکی از خاستگاه‌های نظریه بینامنتیت دانست» (الن، ۱۳۸۵: ۲۴). پس از بررسی و مطالعه دقیق دیوان سیل، تلمیحات به کاررفته در این دیوان بر اساس نظریه بینامنتیت کریستوا که مناسب‌ترین نظریه برای واکاوی به روش بینامنتیتی تلمیحات است، مورد بررسی قرار گرفت.

۴. روش تحقیق

داده‌های مستخرج از نسخ خطی دیوان میرزا محمد سیل اخباری، با توجه به اهمیت نقش تلمیح و نحوه انعکاس آن در اشعار وی، با استفاده از رویکرد بینامنتی می‌تواند به جنبه‌های زیباشناختی این اثر یاری رساند. پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی و نیز اسناد کتابخانه‌ای و بررسی نسخ خطی به تحلیل روابط بینامنتی تلمیح و طبقه‌بندی آنها که شامل: تلمیحات عرفانی، تلمیحات دینی و شخصیت‌های مذهبی، تلمیحات ادبی و عاشقانه می‌شوند پرداخته است.

۵. گستره تلمیح و انواع آن در اشعار میرزا محمد سیل اخباری

1. Gérard Genette
2. Ferdinand de Saussure

۵.۱. تلمیحات عرفانی

اشعار سیل، آکنده از حقایق عرفانی و تلمیحات عارفانه است. عرفان عاشقانه تحت تأثیر اندیشه‌های عرفانی شخصیت‌های برجسته‌ای، چون ابن عربی، مولوی و حافظ بوده است. با نگاهی به اشعار سیل، هر خواننده صاحب‌ذوق و آگاهی متوجه این امر می‌شود که وی در اشعار و تلمیحات عرفانی، نظر به اشعار این بزرگان داشته و این تأثیرپذیری در اشعار وی کاملاً نمایان است. وفور واژه‌های عرفانی، درون‌مایه اصلی اشعار وی و گوهر تلمیحات عرفانی اوست. به دلیل اقتضائات و محدودیت‌های مقاله، به تعدادی از این واژه‌ها، نظیر تجلی، مستی، جنون، اضطراب، شراب، لن ترانی، منصور، قیوم، وجود، اصفیاء، سر و عشق اشاره می‌شود که به ترتیب از دیدگاه روابط بینامتنی تلمیح مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

پرتو شمع تجلی در دلم جا کرده است سینه را نور جمالش طور سینا کرده است
(سیل اخباری، نسخه الف: ۱۲۶)

– قاعده بینامتنی: نفی جزئی؛

بیت فوق اشاره دارد به داستان حضرت موسی و طور سینا که در قرآن و تورات از آن یاد شده است. در طور سینا، وقایع مهمی، مانند صحبت خداوند با حضرت موسی اتفاق افتاده است. همچنین نشانه‌های عرفان نظری ابن عربی و شیوه به کار بردن واژه عرفانی «تجلی» در بیت فوق، ادعای نگارندگان و تأثیرپذیری مؤلف از متون بزرگان گذشته را به اثبات می‌رساند. عرفان ابن عربی برای تحلیل کثرات، نظام «تجلی» را پیش می‌نهد و کثرات در این نظام، تجلیات و مظاهر حق هستند. «اولین تجلی و مرتبه تعین، همان تعین و تجلی ذات برای ذات است» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۴۲۲).

هست شد از هستی تو هست‌ها بیخود از پیمانه تو مست‌ها
(سیل اخباری، نسخه الف: ۶۱)

– قاعده بینامتنی: نفی متوازی؛

در این بیت، شاعر هستی و وجود تمام موجودات را وابسته به خدا می‌داند و همه چیز را تحت اراده پروردگار می‌داند و اشاره به احادیث و آیات زیادی دارد: یسألُه مَنْ

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ. هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، پیوسته از او درخواست می‌کند. او همواره دست‌اندرکار امری است (سوره رحمان: ۲۹). همچنین شاعران دیگری نیز در اشعارشان به این مضمون پرداخته‌اند:

ما چو ناییم و نوا در ما ز تست ما چو کوهیم و صدا در ما ز تست
(مولوی، ۱۳۹۷: بخش ۲۹)
در سینه دل ز شور جنون دارد اضطراب بهر علاج بر رگ جان نشتر آورد
(سیل اخباری، نسخه الف: ۱۷۷)

- قاعده بینامتنی: نفی کلی؛

در بیت فوق، نشتر یعنی فرورفتن شیء در رگ و بدن که اشاره دارد به حجامت در طب سنتی و از قاعده بینامتنی نفی کلی پیروی می‌کند؛ زیرا درک رابطه متن حاضر با غایب نیازمند خوانش زیاد و تعمق است. درون‌مایه اشعار سیل مملو است از اندیشه‌های عرفانی و برجستگی بحثی به نام «اعیان ثابته» که یکی از دستاوردها و درواقع، مهم‌ترین دستاورد اندیشه عرفانی است. این نکته باز هم تأثیرپذیری سیل از متون گذشته یا معاصر را به‌خوبی نشان می‌دهد که در مبحث بینامتنیت دارای اهمیت ویژه‌ای است. به وجود آمدن اثری که زائیده آثار پیش از خود باشد که درعین حال اثری جدید نیز محسوب شود. اعیان ثابته نیز، یکی از ارکان عرفان ابن عربی و آفریده قلم اوست که مباحث خداشناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی او، بر این نظر استوار است. «اعیان ثابته آفریده قلم ابن عربی است و به عبارت دیگر او واضح این تعبیر است» (شالچیان، ۱۴۰۰: ۱۶۴-۱۶۳). وحدت وجود یا یکتاپرستی در نگاه سیل اخباری، در صورتی برای ما معلوم و مفهوم می‌شود که به چنین مباحثی دقت داشته باشیم. «اعیان ثابته عبارت است از حقایق و ماهیت اشیاء در علم حق؛ به عبارت دیگر آنچه از ازل در علم حق ثابت است صورت علمیه اشیاست» (جهانگیری، ۱۳۶۷: ۲۷۱).

شیخ پرغوغا که بود از باده‌ی نخوت خراب کردم از فیض قدح، قدح کلامش برملا
(سیل اخباری، نسخه الف: ۱۰۷)

– قاعده بینامتنی: نفی متوازی؛

یکی از کلیدواژه‌های عرفان عاشقانه، می‌خوارگی و شراب است. این واژه رمز، واژه‌ای معماگونه در نزد عرفا و نشان‌دهنده حالات عرفا است. حال عارف در هنگام تقرب و نزدیکی به معبود این‌گونه توصیف می‌شود؛ آن حالتی از شادمانی و سرخوشی که بر اثر نوشیدن شراب بر انسان غالب می‌شود؛ اما نکته مهم دیگری که نباید آن را از نظر دور داشت، این است که شراب می‌تواند معنای عرفانی عمیق‌تری نیز داشته باشد و آن اشاره و تلمیحی است به نوعی از شیوه زندگی و نوعی نگرش و اندیشیدن که خود شاعر با بیانی طنزآمیز در حق شیخان مدعی، از آن به «باده نخوت» تعبیر می‌کند. با این تفسیر، سخن گفتن از شراب نخوت به معنی انتقاد از ریا، فساد و تباهی جامعه است.

چون که تاب جلوه حق نیست کوه طور را

پس چسان باشد روا این جلوه چشم کور را

لن ترانی می‌رسد از گوش هوش در هر طرف

ربّ ارنی گوی موسی می‌دمد کو صور را

(سیل اخباری، نسخه الف: ۸۹)

– قاعده بینامتنی: نفی جزئی؛

این بیت تلمیح دارد به سوره اعراف: «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرْنِي أُنظُرُ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ وَلَكِنْ نُنْظِرُ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ نَرَاكَ فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعْقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ». و چون موسی به وعده‌گاه آمد و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: پروردگارا، خود را به من بنمای تا تو را تماشا کنم. معشوق فرمود: هرگز مرا نخواهی دید؛ لیکن به کوه نگاه کن؛ پس اگر بر جای خود قرار گرفت به زودی مرا خواهی دید؛ پس چون پروردگارش به کوه جلوه نمود، آن را متلاشی ساخت و موسی مدهوش بر زمین افتاد و چون به خود آمد، گفت: تو منزهی به درگاهت توبه کردم و...» (اعراف، ۱۴۳).

جلوه‌ها باشد سر شوریده منصور را

بر سر دار محبت رغم انف حاسدان

(سیل اخباری، نسخه الف: ۸۹)

- قاعدہ بینامتنی: نفی جزئی؛

بیت اشاره دارد به داستان پرشور حسین بن منصور حلاج، عارف، شاعر و صوفی ایرانی قرن سوم هجری قمری که با شطحیات خود شهرت یافت. جمله معروف «انا الحق» (من حقیقت هستم یا من خدا هستم) که در ادبیات فارسی بارها تکرار شده است، از حلاج است. شاعران و نویسندگان زیادی در قالب تلمیح از این داستان شورانگیز بسیار بهره برده‌اند.

منصور کجا گفت انا الحق می گفت منصور کجا بود خدا بود خدا
(مولوی، ۱۳۸۱: رباعی شماره ۷۱).

نیست هستی غیر قیوم وجود پاک محض قائم بالغیر را کی دعوی سستی سزااست
(سیل اخباری، نسخه الف: ۱۲۵)

- قاعدہ بینامتنی: نفی جزئی؛

بیت اشاره به اسماء الهی دارد. حق تعالی را قیوم که از اسما و صفات خداوند و به معنای پاینده و قائم به ذات است می‌داند. «هر موجودی قائم به اوست و اوست که راعی هر موجودی است و به معنی عالم به امور نیز آمده است و در بعضی از کتب لغت است که "قیوم" یعنی آن کسی که او را مثلی نباشد» (شریف کاشانی، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

موج و دریا نیست اینجا غیر تقریب سخن می‌نشاید یافت این معنی بجز تعلیم دوست
گرچه تقریب سخن تبعید نزد اصفیاست

چون معلم اوست سیل از خیل اهل اصطفاست

(سیل اخباری، نسخه الف: ۱۲۵)

- قاعدہ بینامتنی: نفی کلی؛

ابیات فوق اشاره دارند به اصفیاء، یعنی افراد برگزیده‌ای که خداوند آن‌ها را خالص از آنچه غیر خداست، گردانیده است. خداوند دلیل هستی است، هستی در واجب‌الوجود

از لوازم ذات و او موجب آن است که سیل این را به خوبی دریافته است و مانند عارفی صاف و خالص، از هر چه غیر خداست دل می‌برد و خود را جزء اصفیا و برگزیدگان می‌داند. «کتاب حق، از چهره‌هایی به عنوان برگزیدگان خدا یاد می‌کند تا تمام مردم عالم از کرامت و اخلاق و سنت و روش آن بزرگواران درس بگیرند. علت برگزیده شدن آنان توسط حضرت حق، ایمان و عمل صالح و پاکی نفس و سلامت قلب و علم و دانش و عبادت و بندگی خالص آنان بود و بدون شک هر کسی راه آنان را طی کند در حد ظرفیت خودش از برگزیدگان خدا خواهد شد» (انصاریان، ۱۳۸۷: ۲۱۴).

این نه سرّی ست که هر بی سروپا می‌داند این نه سرّی ست که مأمور هوا می‌داند
این نه سرّی ست که ملا به شفا می‌داند این نه سرّی ست که صوفی به صفا می‌داند
(سیل اخباری، نسخه الف: ۵۸) (همان: ۵۸)

– قاعده بینامتنی: نفی کلی؛

در حقیقت، ابیات از رازی سخن می‌گویند که کسی از آن باخبر نیست؛ ولی متن غایب در آن، به کلی تغییر یافته و اشاره به آن پنهان دارد و درک رابطه متن حاضر با غایب، احتیاج به خوانش مکرر و تعمق در متن دارد. سیل در اشعارش خود را صوفی، عارف کامل، مرد راه حقیقت، سیل دریا و صحرای حقیقت و فارغ از کشمکش رنج طریقت می‌داند و پای طلب خود را در این راه و برای موانع آن خستگی ناپذیر می‌داند. با توجه به حالات سیل و بی‌اعتنائی او به دنیا و تعلقات دنیوی در اشعارش، اگر چه او عارف نبوده، عاشق سیر و سلوک و غرق شدن در دریای وحدت و حقیقت بوده است و دستار و عبای عارفان، پوشش او، اسرار حقیقت، کلام او و بی‌پروایی در راه پرخطر رسیدن به معشوق و معبود، هدف او بوده است.

منزل عشق پرخطر باشد مرد این راه پر حذر باشد
(سیل اخباری، نسخه الف: ۱۶۷)

– قاعده بینامتنی: نفی جزئی؛

بیت فوق اشاره دارد به پرخطر بودن راه عشق که در حقیقت، عشق فراتر از حد شرح، بیان و توصیف است. در واقع، شرح عشق را بیانی نیست، آن گونه که در کلمات

و الفاظ بگنجد. تمام شاعران با عشق پیوند دیرینه‌ای دارند و تمام عناصر عشق، مانند سوز، گداز، دوری، انتظار، وصل و جدایی در آثار آنها دیده می‌شود و این عشق آن زمان روح را صیقل می‌دهد که معشوق در جایی غیر از زمین مأوا گزیده باشد. در اشعار سیل نیز عشق این گونه است، عشقی که وی در اشعارش تصویر می‌کند زمینی نیست. درواقع، گوهر و بنیان این گونه اشعار عارفانه عشق است. «همچنان که از اصطکاک یک سنگ آتش‌زنه با آهن جرقه‌ای می‌جهد و آتشی پدیدار می‌شود، از کارهای نیک در وجود یک فرد شوریده‌حال و باصفا هم شعله عشق الهی برانگیخته می‌شود» (سلماسی زاده، ۱۳۷۴: ۲۷۱).

عشق علت ایجاد کائنات بود
تو نیز عهده نگهدار آشنایی را
(سیل اخباری، نسخه الف: ۸۸)
- قاعده بینامتنی: نفی جزئی؛

بیت تلمیح دارد به قصه آفرینش و سیل، عشق را زیباترین هدیه خدا به انسان می‌داند که شعله‌های زیبای آن باعث روشن شدن زندگی گشته، به‌طوری که انسان را از ورطه هولناک و ظلمت آلود وابستگی و دل‌بستگی به تعلقات دنیوی رها کرده است. «عشق و محبت تنها منحصر به عشق حیوانی جنسی و حیوانی نسلی نیست؛ بلکه نوع دیگری از عشق و جاذبه هست که در جوی بالاتر قرار دارد و اساساً از محدوده ماده و مادیات بیرون است و از غریزه‌ای ماوراء بقای نسل، سرچشمه می‌گیرد و درحقیقت، فصل ممیز جهان انسان و جهان حیوان است و آن عشق معنوی و انسانی است؛ عشق ورزیدن به فضایل و خوبی‌ها و سجایای انسانی و جمال حقیقت» (مطهری، ۱۳۹۶: ۴۹). سیل درواقع، عشق را پهلوانی تصور می‌کند با زور بازوی زیاد که می‌تواند در هر نبردی به فتح و پیروزی دست یابد و هیچ کس جلودار زور بازوی عشق نیست؛ جایی که حتی غیرممکن را ممکن جلوه می‌دهد. سیل، عشق را علت ایجاد کائنات می‌داند. مولانا نیز به این مفهوم اشاره کرده است که شاید سیل تحت تأثیر این بیت از مولانا بوده است:

من بدان افراشتم چرخ سنی
تا علو عشق را فهمی کنی

(مولوی، ۱۳۹۷: بخش ۱۱۵)

۲.۵. اشاره بینامتنی تلمیح به شخصیت‌های دینی و مذهبی

شاعران و نویسندگان از داستان‌های پیامبران و امامان (ع) در ایجاد تصاویر شعری خود مکرر بهره می‌برند و هر بار از زاویه خاصی به آن‌ها می‌نگرند. همین موضوع، یعنی تازه‌نگری به داستان‌ها، از دیگر وجوهی است که شاعران در خصوص تلمیح بینامتنی به کار می‌برند. سیل اخباری نیز از صنعت تلمیح به این شیوه بسیار بهره برده است تا جایی که یکی از نکات قوت و زیبایی اشعار وی به حساب می‌آید. در مدح ائمه اطهار (ع) به‌خصوص علی بن ابی‌طالب (ع) اشعار فراوانی دارد. در این پژوهش جهت اختصار به برخی از این تلمیحات اشاره شده است.

۱، ۲، ۵. تلمیح به داستان امامان و پیامبران (ع)

— حضرت محمد (ص): درباره حضرت محمد (ص)، معجزات و حوادث زندگی آن حضرت اشاراتی در دیوان سیل دیده می‌شود:

از محمد (ص) شهر علم آغاز شد وز علی (ع) درها به عالم باز شد
(سیل اخباری، نسخه الف: ۶۵)

— قاعده بینامتنی: نفی جزئی؛

بیت فوق تلمیح دارد به حدیث «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا» که پیامبر اکرم (ص) در این حدیث خود را شهر علم و علی (ع) را دروازه این شهر نامیده است.

— حضرت علی (ع): سیل در بسیاری از اشعار خود به مدح و وصف علی (ع) می‌پردازد؛ خود را اسیر عشق وی می‌داند؛ مرغ روح خود را در هوای بام او به پرواز درمی‌آورد؛ دل را که از آن به‌عنوان خلوت‌گه خاص خدا یاد می‌کند، منزل آرام علی (ع) می‌داند و به توصیف زور بازوی او می‌پردازد.

خسرو خیرشکن مرحب فکن بر فراز کنف احمد بت‌شکن
(سیل اخباری، نسخه الف: ۶۸)

— قاعده بینامتنی: نفی جزئی؛

بیت اشاره دارد به غزوه خیبر از غزوات پیامبر (ص) در برابر یهودیان منطقه خیبر که درنهایت، با پیروزی مسلمانان به پایان رسید. از نکات مهم این غزوه، رشادت‌های حضرت علی (ع) در فتح برخی قلعه‌های خیبر است.

- امام حسین (ع):

فراش انداز محبوب خدایی	که رنگین می‌شود قصر شهادت
به حق آئینه قدرت نمایی	حسین بن علی سبط پیمبر
نهال پنجم آل عبایی	امام سیوم و فرزند دویم

(سیل اخباری، نسخه الف: ۴۵)

- قاعده بینامتنی: نفی متوازی؛

با توجه به روابط بینامتنی متون، سیل اخباری در سرودن ابیات مذکور، تحت تأثیر غزل آسمانی مولانا در وصف مقام حضرت سیدالشهدا (ع) بوده است که اشاره دارد به ماجرای عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش.

بلاجویان دشت کربلا بید	کجایید ای شهیدان خدایی
------------------------	------------------------

(مولوی، ۱۳۸۱: غزل ۱۸۰۷)

- حضرت یوسف (ع)

بر حسن تو ختم شد جوانی	ای یوسف عصر و مصر دلها
------------------------	------------------------

(سیل اخباری، نسخه الف: ۵۴)

- قاعده بینامتنی: نفی جزئی؛

این بیت تلمیح دارد به داستان پرماجرایی یوسف (ع) و به‌خصوص زیبایی او که همواره در آثار شاعران و نویسندگان فراوان به چشم می‌خورد. بیشتر شاعران، زیبایی معشوق را به زیبایی او و از درد دوری و فراق، خود را به یعقوب مانند کرده‌اند. گرچه شاعران از داستان یوسف در ادبیات بسیار بهره برده‌اند، این داستان به دلیل زیبایی زوایای آن هیچ‌گاه حالت کلیشه‌ای و کهنگی به خودش نگرفته است و هر گوشه‌ای از زندگی یوسف (ع) در آثار شاعران و نویسندگان ما تجلی یافته است. به‌خصوص در

دیوان سیل، اشاره به این داستان زیاد به چشم می‌خورد؛ در حدی که انسان را به این فکر وامی‌دارد که سیل، یا علاقه زیادی به این داستان داشته یا به نوعی با این داستان و شخصیت‌های آن به دلیل شرایطی چون: دوری از وطن، حسادت رقیبان و غیره، همزادپنداری می‌کرده است. «وقتی هنرمندی یک عنصر خاص را در اثر خویش تکرار می‌کند، می‌خواهد با این تکرار حساسیت مخاطب را برانگیزد و جایی در ذهن مخاطب را نشانه بگیرد یا نکته‌ای را با او در میان بگذارد» (لطیفان و همکاران، ۱۳:۱۴۰۱).

- حضرت نوح (ع):

نوح اگر آورده طوفان از زمین و آسمان در غمت چشم فلک دریای اخضر ساخته
(سیل اخباری، نسخه الف: ۳۲)

- قاعده بینامتنی: نفی جزئی؛

این بیت تلمیح دارد به داستان حضرت نوح. شاعران و نویسندگان بسیاری در آثارشان از این داستان بهره برده‌اند. «روایت حضرت نوح و سرنوشت قوم ایشان در بخش‌های گوناگون قرآن، کانون توجه قرار گرفته است. روایت حضرت نوح در شش سوره اعراف، هود، مؤمنون، شعرا، قمر و نوح بیان شده که در این میان، روایت سوره هود (آیات ۲۵ الی ۴۸) و نوح از همه مفصل‌تر است» (مقداری و جهانگیری، ۱۳۹۴: ۱۲).

۵،۲،۲. تلمیحات بینامتنی قرآنی و احادیث

در حدیث آمد علی اسم عظیم
گفت خود را نقطه با زان کریم
سرّ این معنی نداند جز فهیم
فَهوَ بِسمِ الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(سیل اخباری، نسخه الف: ۶۳)

- قاعده بینامتنی: نفی جزئی؛

سیل، در این شعر به متن پنهانی اشاره دارد که دربرگیرنده این حدیث است: "الامامُ علیُّ علیه السلام: قولوا عِنْدَ افْتِتاحِ كُلِّ امرٍ صَغیرٍ او عَظیمٍ: بِسمِ الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. امام علی (ع): در آغاز هر کار کوچک یا بزرگ بگوئید: بِسمِ الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ". در رابطه بینامتنی سیل در این شعر و اشعار مشابه آن، علی (ع) را این گونه توصیف می‌کند تا

ضمن ارادت‌تی که به پیشوای شیعیان دارد، اعتقاد خویش را نیز به اثبات برساند. شاعر در این شعر آگاهانه به حدیث مذکور اشاره دارد و حتی جمله «بسم الله الرحمن الرحیم» را به طور واضح و آشکار به کار برده است. در این نوع رابطه بینامتنی، نفی جزئی یا اجترار وجود دارد؛ یعنی به گونه‌ای است که متن حاضر در ادامه متن غایب یا پنهان آمده است. معمولاً در این نوع رابطه بینامتنی، شاهد نوآوری چندانی از سوی شاعر نیستیم که البته سیل با مهارتی که در سرودن شعر دارد، این رابطه را با ظرافت‌های خاصی برقرار کرده است.

که مفتاح کلام الله شد زیورش از نقطه بالله شد
سر آن سیر سبیل الله شد پس الی الله شد ولی الله شد
(سیل اخباری، نسخه الف: ۶۱)

- قاعده بینامتنی: نفی جزئی؛

«ولی الله» در اشعار و ادبیات فارسی انعکاس زیادی دارد. بسیاری از شاعران، این سخن را در اشعارشان به کار برده‌اند که شیعیان معتقد به امامت علی (ع) بعد از رحلت پیامبر هستند که به موضوع «حدیث غدیر» و مفهوم «ولایت» در حدیث غدیر اشاره دارد. همان طور که اشاره شد شاعران بسیاری در طی عرصه‌ها و دوره‌ها از واژه «ولی الله» در باب ارادتشان به مولای متقیان در اشعارشان بهره برده‌اند. سید علی عمادالدین نسیمی، شاعر و صوفی قرن هشتم یکی از این شاعران است.

هر وصف که در شأن کلام الله است خاصیت او تمام بسم الله است
آن نقطه که آن به بسم الله است آن خال رخ علی ولی الله است
(نسیمی، ۱۳۶۹: ۵۶)

هفت دریاست در این راه پر از هول و هلاک
هفت دشت است که نی آب در آنجاست نه خاک
یک قدم راه در آنجا ز سمک تا به سماک
طی ادواری و اکواری و سور الافلاک

(سیل اخباری، نسخه الف: ۵۹)

– قاعده بینامتنی: نفی جزئی؛

سیل در دیوان اشعارش علی‌رغم اینکه بسیار از اعدادی، چون: دو، سه، هفت، دوازده و غیره، بهره برده است، اما در این میان بیشتر به عدد «هفت» توجه داشته است؛ در قالب: هفت دریا، هفت دشت، هفت اختر، هفت ملت و هفت کشور. عدد هفت در نزد وی عددی خاص و نمادی از کثرت است که قطعه مذکور از شعر سیل، اشاره به سورة (لقمان، آیه ۲۷) دارد: «و لو آتَمَا فِی الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةِ اقْلَامٍ وَ الْبَحْرِ یَمْدَهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ کَلِمَاتُ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ عَزِیزٌ حَکِیمٌ: و اگر آنچه درخت در زمین است، قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر به یاری آید، سخنان خدا پایان نپذیرد. قطعاً خدا است که شکست‌ناپذیر حکیم است». سیل در رابطه بینامتنی این شعر و ارجاع دادنش به آیه‌ای از قرآن، راه دشوار رسیدن به معشوق را از طریق هفت دریای پرهول و وولا، هفت دشت بی‌آب و خاک و غیره، توصیف می‌کند که با این توصیفات می‌خواهد سختی‌ها و دشواری‌های وصال معشوق را بیان کند.

دو تازه نهال گلشن خلد دو میوه باغ شاه لولاک

(سیل اخباری، نسخه الف: ۴۸)

– قاعده بینامتنی: نفی جزئی؛

این بیت از اشعار سیل نیز، اشاره به «حدیث لولاک» (نجفی رازی مرندی، ۱۳۸۱: ۱۴) دارد که این حدیث قدسی، وجود پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را دلیل و هدف آفرینش هستی معرفی می‌کند. منظور سیل از دو تازه نهال گلشن خلد و دو میوه باغ شاه لولاک، حسین (ع) است.

حجّت قائم که نامش نام پاک مصطفی‌ست هفت اختر را به نام او مسخر ساخته
آفریده نور چشم دو جهان مهدی دین امتحان خلق را دجال اعور ساخته

(همان: ۳۰)

– قاعده بینامتنی: نفی جزئی؛

در این اشعار، اشاره آگاهانه و صریح سیل به حضرت صاحب‌الزمان که همانام با ختمی مرتبت پیامبر (ص) است، وجود دارد؛ همچنین اشاره وی به «دجال» که فردی کریه، یک چشم و از دشمنان مهدی (عج) است که بنا بر روایات در هنگام قحطی و سختی ظهور می‌کند، آمده است. «دجال از ریشه «دجل» به معنای دروغ‌گوی حيله‌گر است. واژه دجال در زبان عبری و در آموزه‌های یهود، به معنای دشمن خداست و از ترکیب دو واژه «دج» یعنی دشمن و «ال» یعنی خدا پدید می‌آید» (خزائلی، ۱۳۸۷: ۴۷۹-۴۷۸). «دجال بنا بر روایات، در هنگام سختی و قحطی ظهور می‌کند؛ جمعی را فریب می‌دهد و به‌سوی خود می‌کشاند» (علامه مجلسی، ۱۳۸۲: ۱۹۴/۵۲ و ۳۰۸).

۵.۳. تلمیحات ادبی

با توجه به اینکه بینامتنیت از مباحث مهمی است که توجه پژوهشگران ساختارگرا و پس‌اساختارگرا را به خود معطوف کرده است و همچنین از آنجایی که این نظریه در حوزه ادبیات، به بررسی شباهت‌ها و تأثیرپذیری یک متن از متن یا متون دیگر می‌پردازد، نویسنده مستلزم این است که راجع به متون قدیمی یا معاصر اطلاعاتی کافی داشته باشد تا بتواند از این رهگذر شاخه‌های اثر خود را پُر بارتر کند. با مطالعه مختصر دیوان اشعار سیل اخباری، متوجه این امر می‌شویم که وی با تلمیحات ادبی و نظر به متون گذشتگان توانسته بر غنای شعری خود بیفزاید و چشم و گوش خواننده را با لحن، موسیقی، وزن و استفاده درست و به‌جا از ردیف و قافیه در منسجم کردن اشعار خود و همچنین آراستن این اشعار با انواع آرایه‌ها و صناعت‌های ادبی نوازش بدهد. تلمیحات ادبی وی بیشتر معطوف به اشعار حافظ بوده است. در ادامه به چند نمونه از این موارد اشاره می‌شود:

کوکب زاوش و ناهید به هم کرد قران یوسف گم‌گشته در کلبه احزان آمد
(سیل اخباری، نسخه الف، ۱۶۶)

- قاعده بینامتنی: نفی متوازی؛

بیت یادآور غزل شماره ۲۵۵ دیوان حافظ با مطلع "یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور / کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور است" است که شاعر در این بیت نوعی سازش میان متن غایب و حاضر به وجود آورده است و از معنای متن غایب دفاع می‌کند؛ اما از مفهوم آن عدول نیز کرده است.

این واعظان که بیهده منع از او کنند
بیند اگر رخس ز چه رو گفتگو کنند
(سیل اخباری، نسخه الف، ۱۶۷)

– قاعده بینامتنی: نفی کلی؛

بیت فوق تداعی غزل شماره ۱۹۹ دیوان حافظ است:

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند

چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند

ولی با این تفاوت که متن غایب تغییر شکل یافته است؛ بنابراین نفی کلی بر این

بیت حاکم است.

عاشقان جان‌فشانش را نشان دیگر است
طائران قدس حق را آشیان دیگر است

(سیل اخباری، نسخه الف: ۱۱۹)

– قاعده بینامتنی: نفی جزئی؛

بیت فوق یادآور بیتی از عطار است. هرچند از نظر وزن عروضی و به لحاظ ارکان، یکسان نیستند، از نظر مضمون، ریتم، لحن موسیقی و شباهت واژگانی شبیه هستند. اهداف دو شاعر به یک جا ختم می‌شود و آن، وصال دوست است که عاشقان جان‌فشان دوست، مانند طائران قدس که همان مرغان عشق هستند، آشیان دیگری دارند که در آنجا قرب و وصال دوست در انتظار آنهاست.

عشق را گوهر ز کانی دیگر است
مرغ عشق از آشیانی دیگر است

(عطار، ۱۳۴۶: غزل شماره ۶۰)

۵.۴. تلمیحات عاشقانه

نظر کن در بهار عشق شیرین
گل حسرت به سر فرهاد ما را

(سیل اخباری، نسخه الف: ۸۶)

-قاعده بینامتنی: نفی جزئی؛

سیل در بیت فوق، اشاره به داستان پرشور و عاشقانه شیرین و فرهاد دارد. ناکامی فرهاد از این عشق این گونه به تصویر کشیده شده است که در بهار عشق شیرین، فرهاد گل حسرت که در پاییز شکوفه می دهد بر سر دارد.

۶. نتیجه گیری

در اجرای این پژوهش، انواع تلمیحات در تمامی اشعار سیل اخباری، به صورت کامل احصا و تحلیل شد؛ ولی با توجه به محدودیت های مقاله، تنها به تعداد معدودی از شواهد شعری اشاره شد. آمار به دست آمده از انواع تلمیحات به شرح زیر است: از مجموع ۲۱۴۱ تلمیح به کاررفته در اشعار سیل، ۹۲۵ مورد تلمیحات عرفانی، ۶۷۸ مورد تلمیحات دینی و مذهبی، ۴۰۶ مورد تلمیحات ادبی و ۱۳۳ مورد تلمیحات عاشقانه به کاررفته است.

روابط بینامتنی موجود در شعر سیل اخباری و سایر متون، براساس نظریه بینامتنی ژولیا کریستوا، بنا بر قواعد سه گانه بینامتنی شامل: نفی جزئی ۱۳۸۶ مورد، نفی متوازی ۶۱۸ مورد و نفی کلی ۱۳۷ مورد، تحت بررسی قرار گرفت و مشخص شد از این میان، نفی جزئی پربسامدترین قاعده بینامتنی میان شعر سیل و متون دیگر است. تأثیرپذیری آگاهانه سیل از متون دیگر باعث شد که قاعده نفی کلی در اشعار وی دارای بسامد پائینی باشد؛ زیرا در نفی کلی معنای متن به طور کامل تغییر می کند و کشف آن نیازمند ژرف اندیشی و تعمق بسیاری است؛ بنابراین دشوارترین رابطه بین متون از حیث ارتباط معانی، نفی کلی است. روح جستجوگر سیل و اشراف وی بر علوم بسیاری، چون فقه، عرفان، فلسفه، برهان نظم، توحید، خداشناسی، تجرید و غیره، دلیل بسامد بالای تلمیحات عرفانی در شعر اوست و در تلمیحات ادبی نیز توجه خاص وی به اشعار حافظ بوده است. در تلمیحات دینی- مذهبی نیز به ویژه مدح و منقبت پیغمبر اسلام (ص)، حضرت علی (ع)، امام زمان (عج) و دیگر امامان و پیامبران الهی و همچنین تلمیح به آیات و احادیث، صبغه ای آیینی و مذهبی به اشعار او بخشیده است.

جدول: انواع تلمیحات در دیوان سیل اخباری

اقسام تلمیح	بسامد	درصد
عرفانی	۹۲۵	۴۳/۲۰
دینی_مذهبی	۶۷۸	۳۱/۶۶
ادبی	۴۰۶	۱۸/۹۶
عاشقانه	۱۳۳	۶/۲۱

منابع

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: هلیا.
- آلن، گراهام (۱۳۸۰). بینامتنیت. ترجمه پیام یزدان جو. تهران: نشر مرکز.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۷). عرفان اسلامی. ج ۱. قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- تهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۳ هـ. ق). الذریعة الی تصانیف الشیعة. بیروت: دار الاصفراء.
- تورودف، تزوتان (۱۳۷۱). دستور زبان و روایت. ترجمه احمد اخوت. اصفهان: فردا.
- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد (۱۳۶۹). دیوان. به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی. تهران: زوار.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۷۹). تحریر تمهید القواعد. قم: اسراء.
- جهانگیری، محسن (۱۳۶۷). محیی الدین عربی؛ چهره برجسته عرفان اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.
- خزایلی، محمد (۱۳۹۲). اعلام قرآن. تهران: امیرکبیر.
- رنجبر، جواد (۱۳۹۲). «بینامتنی قرآنی و روایی در شعر ابن یمن فریومدی». دانشگاه شیراز: مجله شعر پژوهی بوستان ادب. ۵(۴). ۹۱-۱۰۸.
- سلماسی زاده، جواد (۱۳۷۴). تفسیر مثنوی معنوی مولوی بر اساس رینوالدین نیکلسن و فاتح الایات و روح مثنوی. تهران: اقبال.
- سیل اخباری، میرزا محمد (بی تا). دیوان سیل. نسخه خطی (الف)، شماره ۱۳۴۹۷. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- سیل اخباری، میرزا محمد (بی تا). دیوان سیل. نسخه (ب)، شماره ۱۳۶۴۸. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- سیل اخباری، میرزا محمد (بی تا). دیوان سیل. نسخه (ج)، شماره ۱۳۵۶۹/۲۱. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۵۸). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- شالچیان ناظر، علی (۱۴۰۰). وحدت وجود و نتایج آن از نگاه محیی الدین ابن عربی. تهران: سلوک.

- شریف کاشانی، ملا حبیب‌الله (۱۳۸۳). *خواص و مفاهیم اسماء الله الحسنى (نام‌های زیبای خداوند)*. ترجمه محمد رسول دریایی، تهران: صائب.
- عطار، فریدالدین (۱۳۴۶). *تذکره الاولیا*. تصحیح محمد استعلامی. تهران: زوار.
- قاسم‌زاده، سید علی؛ ذبیح نیا عمران، آسیه؛ جمالزهی، فرخنده (۱۳۹۳). «بینامتنیت تلمیح در شعر شاعران دفاع مقدس». *مجله ادبیات پایدار*. ۶(۱۱). ۳۵۶-۳۳۳.
- لطفیان، سارا؛ سلطانی کوهنابی، حسن؛ جهانی، محمدتقی (۱۴۰۱). «موتیف تلمیحی یوسف (ع) در غزلیات صائب تبریزی». *دانشگاه سمنان: مجله مطالعات زبانی و بلاغی*. ۱۳(۲۹). ۲۷۶-۲۴۱.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۲). *بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)* (ترجمه فارسی). ج ۵۲. تهران: نشر.
- مقداری، صدیقه صادات؛ شکوفه جهانگیری (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمان انتقادی شعر دفاع مقدس برای کودکان از منظر رهیافت ون لیوون». *مجله متن پژوهی ادبی*. ۱۹(۱۲۱). ۱۶۰-۱۲۱.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸۱). *کلیات دیوان شمس تبریزی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی)*. به اهتمام محمدحسن فروزانفر. تهران: پارسامش.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۹۷). *مثنوی معنوی*. تهران: گسترش فرهنگ و مطالعات.
- میرزائی، فرامرز (۱۳۸۸). «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر». *دانشگاه شهیدباهر کرمان: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. ۲۵(۲۵). ۵۸-۴۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). *جاذبه و دافعه علی*. تهران: صدرا.
- میرصادقی، میمنت (۱۳۷۶). *واژه‌نامه‌های هنر شاعری*. تهران: کتاب مهناز.
- محبتی، مهدی (۱۳۸۶). *بدیع نو*. تهران: سخن.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۰). *درآمدی بر بینامتنیت*. تهران: سخن.
- نجفی رازی مرندی، ابوالحسن (۱۳۸۱). *ملتی‌البحرین*. قم: آل عبا.
- نسیمی، عمادالدین (۱۳۶۹). *دیوان اشعار*. تهران: برگ.
- یزدانی، حسین؛ گرجی، مصطفی؛ کوپا، فاطمه؛ صفری کندسری، خدیجه (۱۳۹۶). «مناسبات بینامتنی تلمیحات قرآنی مثنوی و غزلیات شمس با تأکید بر قصه ابراهیم علیه‌السلام». *دوفصلنامه علمی بلاغت کاربردی*. ۲(۳). ۹۷-۱۱۶.

References

- *The Holy Quran*. Translated by Mohammad Mahdi Fooladvand. Tehran: Helia.
- Allen, Graham (2001). *Intertextuality*. Translated by Payam Yazdanjoo. Tehran: Nashr-e Markaz.
- Akhbari, Mirza Mohammad (n.d.). *Divan-e Sail*. Manuscript (A), No. 13497. Library of the Iranian Parliament.

- Ansarian, Hossein (2008). *Islamic Mysticism*, Vol. 1. Qom: Tebyan Cultural and Information Institute.
- Sail Akhbari, Mirza Mohammad (n.d.). *Divan-e Sail*. Manuscript (B), No. 13648. Library of the Iranian Parliament.
- Sail Akhbari, Mirza Mohammad (n.d.). *Divan-e Sail*. Manuscript (C), No. 21/13569. Library of the Iranian Parliament.
- Tehrani, Aqa Bozorg (1983 CE). *Al-Dhari'a ila Tasanif al-Shia*. Beirut: Dar al-Asfar.
- Todorov, Tzvetan (1992). *Grammar of Narrative*. Translated by Ahmad Akhvat. Isfahan: Farda.
- Hafiz Shirazi, Shams al-Din Mohammad (1990). *Divan*. Edited by Mohammad Qazvini and Ghasem Ghani. Tehran: Zavvar.
- Jahangiri, Mohsen (1988). *Muhyiddin Ibn Arabi: A Prominent Figure in Arabic Mysticism*. Tehran: University of Tehran.
- Javadi Amoli, Abdollah (2000). *Tahrir Tamhid al-Qawa'id*. Qom: Isra.
- Khazaeli, Mohammad (2013). *A'lam al-Quran*. Tehran: Amir Kabir.
- Najafi Razi Marandi, Abolhassan (2002). *Moltaqa al-Bahrain*. Qom: Al-e Aba.
- Ranjbar, Javad (2013). "Quranic and Narrative Intertextuality in the Poetry of Ibn Yamin Faryumadi." *Shiraz University: Journal of Poetry Research, Bustān-e-Adab*, 5(4), 91–108.
- Salmasizadeh, Javad (1995). *Interpretation of Rumi's Masnavi Based on Nicholson's "Reynold A. Nicholson" and "Fateh al-Abyat" and "Ruh al-Masnavi"*. Tehran: Eqbal.
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (1979). *Imagery in Persian Poetry*. Tehran: Agah.
- Shalchian Nazer, Ali (2021). *Unity of Existence and Its Consequences from the Perspective of Muhyiddin Ibn Arabi*. Tehran: Solook.
- Sharif Kashani, Mulla Habibollah (2004). *Properties and Concepts of the Beautiful Names of Allah*. Translated by Mohammad Rasul Daryaei. Tehran: Saeb.
- Attar, Fariduddin (1967). *Tazkirat al-Awliya*. Edited by Mohammad Estelami. Tehran: Zavvar.
- Qasemzadeh, Seyed Ali; Zabihnia Omran, Asia; Jamalzahi, Farrokh (2014). "Intertextual Allusions in the Poetry of Sacred Defense Poets." *Journal of Resistance Literature*, 6(11), 333–356.
- Lotfian, Sara; Soltani Kouhbanani, Hassan; Jahani, Mohammad Taqi (2022). "The Allusive Motif of Yusuf (PBUH) in Saeb Tabrizi's Ghazals." *Semnan University: Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*, 13(29), 241–276.
- Majlisi, Mohammad Baqer (2003). *Bihar al-Anwar al-Jami'a li Durar Akhbar al-A'imma al-At'har (Persian Translation)*, Vol. 52. Tehran: Nashr.
- Meghdari, Sediqeh Sadat; Shokoufeh Jahangiri (2015). "Critical Discourse Analysis of Sacred Defense Poetry for Children from Van Leeuwen's Perspective." *Journal of Literary Text Research*, 19(121), 121–160.
- Molavi, Jalaluddin Mohammad ibn Mohammad (2002). *Collected Poems of Shams Tabrizi by Jalaluddin Mohammad Balkhi (Rumi)*. Edited by Mohammad Hasan Forouzanfar. Tehran: Parsamesh.

- Molavi, Jalaluddin Mohammad ibn Mohammad (2018). *Masnavi Ma'navi*. Tehran: Gostaresh Farhang va Motale'at.
- Mirzaei, Faramarz (2009). "Intertextual Relations of the Quran with Ahmad Matar's Poems." *Shahid Bahonar University of Kerman: Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, (25), 41-58.
- Motahhari, Morteza (2017). *Attraction and Repulsion of Ali*. Tehran: Sadra.
- Mirsadeghi, Maimanat (1997). *Dictionaries of the Art of Poetry*. Tehran: Ketab-e Mahnaz.
- Mohabbati, Mahdi (2007). *Modern Rhetoric*. Tehran: Sokhan.
- Namvar Motlagh, Bahman (2011). *An Introduction to Intertextuality*. Tehran: Sokhan.
- Nasimi, Emadeddin (1990). *Collected Poems*. Tehran: Barg.
- Yazdani, Hossein; Gorji, Mostafa; Koupa, Fatemeh; Safari Kandesari, Khadijeh (2017). "Intertextual Relations of Quranic Allusions in Masnavi and Ghazals of Shams with Emphasis on the Story of Prophet Ibrahim (PBUH)." *Biannual Journal of Applied Rhetoric*, 2(3), 97-116.